

توضیحی ضرور درباره یهودیان و بهائیان مخفی

عبدالله شهبازی

می‌گویند یک یهودی در همدان مسلمان شده بود. بعد خیلی به آداب اسلام پایبند شده بود؛ خیلی زیاد! این موجب سوءظن مرحوم آسید عبدالمجید، که یکی از علمای همدان بود، شده بود که این قضیه چیست. یکوقت خواسته بودش، گفته بود که تو مرا می‌شناسی؟ گفت: بله. گفت: من کی‌ام؟ گفت: شما آقای آسید عبدالمجید. گفت من از اولاد پیغمبرم؟ گفت: بله. تو کی؟ من یک یهودی بودم، پدرام یهودی بودند و تازه مسلمان شده‌ام. گفته بود: نکته این که تو تازه مسلمان که همه پدرانت هم یهودی بودند و من هم سید و اولاد پیغمبر و ملا و این چیزها، تو از من بیش تر مقدسی، این نکته این چیست؟ من شنیدم که یهودی گذاشت و رفت! معلوم شد حقه زده. یک قضیه‌ای بوده. می‌خواسته با صورت اسلامی کارش را بکند. تو یهودی‌ها این‌گونه کارها هست.^۱

علاوه بر گفتار فوق، امام خمینی در موارد دیگر نیز به پدیده «یهودیت مخفی» و پیوند آن با «بهائیت مخفی» توجه کرده و در این زمینه هشدار داده‌اند. برای مثال، حدود پنج ماه پیش از قتل حسنعلی منصور و صعود امیرعباس هویدا به صدارت، که به یک خانواده سرشناس بهائی تعلق داشت، درباره نفوذ صهیونیسم در ایران و پیشینه تروریسم بابی - بهائی و خطر نفوذ بهائیان مخفی در دستگاه‌های دولتی فرمودند:

این عمال اسرائیل در ایران هر جا انگشت می‌گذاری می‌بینی که یکی از این‌هاست. مراکز حساس، مراکز خطرناک، و الله مراکز خطرناک برای تاج این آقا. ملتفت نیستند این‌ها. این‌ها آن‌ها بودند که در شمیران توطئه کردند ناصرالدین‌شاه را بکشند [و] مملکت ایران را قبضه کنند. شما تاریخ نگاه کنید. تاریخ که می‌دانید. در نیاوران توطئه کردند. در نیاوران چند نفر رفتند ناصرالدین‌شاه را ترور کنند و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند. اینها حکومت را از خودشان می‌دانند. این‌ها در کتاب‌های‌شان نوشته‌اند، در مقالات‌شان نوشته‌اند حکومت مال ماست، باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم، یک حکومت جدیدی به وجود بیاوریم، حکومت عدل... آقا بترسید از این‌ها. یک جانورهایی‌اند این‌ها.^۲

از آنجا که کانون‌هایی منسجم و متنفذ در اینترنت و سایر رسانه‌ها، عامدانه و با هدف مہجور ماندن تحقیقاتم، تعریض‌های مرا به «یهودیان مخفی» و «بهائیان مخفی» تعرض به تمامی یهودیان و پیروان فرقه بهائی، به‌طور عام، جلوه می‌دهند و از این طریق می‌کوشند مرا فردی بنمایانند که یا عمیقاً دستخوش «توهم توطئه» است یا دارای گرایش‌های به‌غایت متعصبانه ضد یهودی و ضد بهائی، توضیح زیر را ضرور می‌دانم:

کسانی را دیده‌ام، مانند آقایان رجبعلی مزروعی (در محفلی دوستانه) یا احمد زیدآبادی (در نوشته‌هایش، به تلویح یا به تصریح)، که گاه بدون خواندن حتی یک صفحه از کتاب *زرسالاران* مرا به «توهم توطئه» متهم می‌کردند، و یهودیانی را دیده‌ام، مانند گونل کوهن، دانشمند سرشناس یهودی ایرانی مقیم بریتانیا، و هارون (پرویز) یشایایی، رئیس

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۸، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۲. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۳۳.

پیشین انجمن کلیمیان ایران، که کتاب فوق را به دقت مطالعه کرده و در دیدار با من آن را محققانه خواندند. تنها ایراد دکتر گوئل کوهن بر کتاب، نام «زرسالاران یهودی» در عنوان آن بود که به زعم وی عدم بی‌طرفی را به ذهن متبادر می‌کند. یشایایی می‌گفت دختر دانشجویش کتاب را با علاقه به‌طور کامل خوانده است.

«یهودیت مخفی»، و به تبع آن «بهائیت مخفی»، عاملی بسیار مهم و مؤثر، و به همین میزان ناشناخته، در تحولات تاریخ معاصر ایران است که به کلی مسکوت مانده بود و به جد می‌کوشند این سکوت شکسته نشود. پس از انتشار پنج جلد از کتاب *زرسالاران* و رساله مهم «جستارهایی از تاریخ بهائی‌گری در ایران»^۳ که تنها بخشی از پژوهش سنگین بیست ساله من در این حوزه است، تلاش می‌کنند، یا از طریق «توطئه سکوت» یا اشاعه موهوماتی به‌ظاهر مشابه با سخنان من، این شناخت را به بیراهه برند.

در *زرسالاران* دقت در پرهیز از پیشداوری‌های تعصب‌آمیز مشهود است و، به دلیل پیش‌بینی این‌گونه تهاجم‌ها و برای پیشگیری از این‌گونه برداشت‌ها، در مقدمه آن توضیحات مفصل عرضه کرده‌ام.^۴ در این کتاب به روشنی تفاوت تلقی خود را از «یهودیان» و تمایز ایشان با «یهودیان مخفی» و *زرسالاران* یهودی همبسته با استعمار جدید بیان کرده و برخی یهودیان نامدار را، چون والتر راتنو و امیل پرر و اسپینوزا، ستوده و جنبش روشنگری یهودی (هاسکالا) و «روشنگران یهودی» (ماسکیلیم)، چون موسی مندلسون، را با نگاه مثبت معرفی نموده‌ام. در مقاله «تأملی در مسئله بهائیت»^۵ نیز دیدگاه خود را درباره تفاوت میان عامه بهائیان و «بهائیان مخفی» به وضوح عرضه کرده و حتی حرکت‌های مشکوک یا تعصب‌آمیز علیه بهائیان معمولی را افشا نموده‌ام.^۶

«یهودیت مخفی» Crypto- Judaism پدیده‌ای واقعی است نه موهوم. در منابع یهودی، از جمله در دانشنامه‌های مرجع یهودی چون *جود/بیکا* و *دائرةالمعارف یهود*،^۷ این عنوان کاربرد رسمی گسترده دارد و در مدخل‌های مستقلی چون «یهودیان مخفی»،^۸ «انوسیم»،^۹ «مارانوها»،^{۱۰} «دونمه»،^{۱۱} «جدیدالاسلام‌های مشهد»^{۱۲} و غیره بدان پرداخته شده. یهودیان و غیر یهودیان در این زمینه صدها کتاب و مقاله نگاشته‌اند.

«یهودی مخفی» با آن یهودی که به راستی باور به دین خود را از دست داده، این باور را علنی کرده و از جامعه یهودی جدا یا طرد شده تفاوت دارد. *جود/بیکا* این گروه را «مرتدین» می‌نامد، در مدخلی جدا از مدخل «یهودیان مخفی» با نام «ارتداد» Apostasy به ایشان می‌پردازد،^{۱۳} و میان آنان با «یهودیان مخفی» تفاوت قائل است. *دائرةالمعارف یهود* «یهودیان مخفی» را چنین معرفی می‌کند: «یهودیانی که خود را پیرو دین دیگر معرفی می‌کنند ولی در خانه‌های خود در خفا مناسک یهودی را به جا می‌آورند.»^{۱۴}

یکی از سرشناس‌ترین نمونه‌های «یهودیان مخفی» دکتر هکتور نانز، پزشک مخصوص الیزابت اول، است و

3. <http://www.shahbazi.org/pages/bahaism1.htm>

4. <http://www.shahbazi.org/pages/plutocracy01.htm>

5. <http://www.shahbazi.org/blog/Archive/8703.htm>

۶ شهبازی، «اطلاعیه مهم: انتشار فهرست اسامی بهائیان را محکوم می‌کنم!»

<http://www.shahbazi.org/blog/Archive/8711.htm>

7. <http://www.jewishencyclopedia.com/index.jsp>

8. <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=909&letter=C>

9. <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=1627&letter=A>

10. <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=169&letter=M>

11. <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=438&letter=D>

12. http://www.sussex-academic.co.uk/sa/titles/jewish_studies/nissimi.htm

<http://openlibrary.org/b/OL18926670M/Anuse-Mashhad>

http://books.google.com/books?id=33A2fLwoec4C&dq=mashhad+crypto+jews&source=gbs_navlinks_s

13. *Encyclopaedia Judaica*, New York: Macmillan, 1971, vol. 3, pp. 201- 215.

14. <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=909&letter=C>

نمونه‌های سرشناس «مرتدین» یهودی آنبر برغشی و اسپینوزا. آنبر در اوائل سده چهاردهم میلادی در کاستیل (اسپانیا) واقعاً به مسیحیت گروید، اسپینوزا، که اعقابش «یهودی مخفی» بودند،^{۱۵} در هلند سده هفدهم واقعاً از یهودیت گسست ولی دین دیگری برگزید.

سرشناس‌ترین فرقه «یهودی مخفی» در جهان اسلام «دوئمه» نام دارد. دوئمه، به معنی «برگشته» و «جدیدالاسلام»، به گروهی از یهودیان ساکن عثمانی اطلاق می‌شود که در سده هفدهم میلادی، به پیروی از شابتای زوی، یهودی که خود را مسیح موعود یهودیان معرفی می‌کرد، و ناتان غزه‌ای، یهودی دیگر که در مقام مدعی «پیامبری» کردار شابتای را توجیه می‌نمود، توده‌وار به اسلام گرویدند. اینان در طول دو سده نظام عثمانی را گام به گام از «درون» تسخیر کردند و سرانجام آن را منهدم نمودند. جود/بیکا نهان‌پیشگی دوئمه‌ها را چنین توصیف کرده است:

دوئمه‌ها در ظاهر خود را مسلمان می‌خواندند و به شدت مقید به انجام ظواهر اسلامی بودند. نخستین گروه دوئمه‌ها در حوالی سال ۱۶۹۰ به زیارت مکه رفتند. معهداً، آنان یهودیان مخفی بودند و به شکل پنهان مناسک خود را، که آمیزه‌ای از مناسک سنتی یهودی و آداب جدید است، انجام می‌دادند. در زمان جنگ اول جهانی، تعداد آن‌ها ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر تخمین زده می‌شد. دوئمه‌ها نوشته‌های خود را بر روی کاغذهای بسیار کوچک می‌نگاشتند که به راحتی قابل مخفی کردن بود. دوئمه‌ها چنان ماهرانه موفق به پنهان کردن مسائل درونی خود بودند که تنها منبع شناخت ایشان شایعاتی بود که در بیرون از آنان در پیرامون‌شان وجود داشت.^{۱۶}

تأکید می‌کنم که این فرقه بیش از دو سده در عثمانی فعالیت پنهان کرد، در مراکز مهم قدرت عثمانی نفوذ نمود و تلاش این فرقه سهم بزرگ در فروپاشی عثمانی داشت. تحقیقات من در این زمینه در جلد‌های بعدی *زرسالاران* منتشر خواهد شد.

فرقه دوئمه تنها به عثمانی محدود نبود. یعقوب فرانک شاخه‌ای از آن را در شرق اروپا بنا نهاد که، چون دوئمه‌های عثمانی، مناسک پنهان جنسی از آداب درونی‌شان بود. این فرقه «فرانکیست» نام گرفت و حتی به درون جامعه کشیشان مسیحی و اشرافیت هابسبورگ نفوذ کرد. امروزه، بسیاری از فرانکیست‌های شرق اروپا و اتریش به آمریکای شمالی مهاجرت کرده‌اند. به‌نوشته جود/بیکا، فرقه دوئمه، علاوه بر عثمانی، از سده هیجدهم میلادی در یمن، ایران و شمال آفریقا نیز گسترش یافت.^{۱۷} جود/بیکا، در جای دیگر، ترکیه، ایتالیا، لهستان، مراکش و کردستان را از مراکز حضور فعلی این فرقه معرفی می‌کند.^{۱۸}

آشنایی با پدیده «یهودیت مخفی» واجد اهمیت فراوان در تبیین برخی تحولات تاریخ معاصر ایران است. برای شناخت این پدیده سال‌ها کوشیده‌ام. دریافتم که «یهودیان مخفی» در بسیاری از نقاط ایران فعالیت داشته و ریشه دوانیده‌اند ولی در تنها مکانی که این پدیده با نام رسمی فرقه دوئمه شعبه یا شاخه پدید آورده دماوند است.

گورستان و خرابه‌های کنیسه‌ای در دماوند گواه بر [قدمت] استقرار یهودیان در این شهر است. در سده هفدهم، بابایی بن لطف، مورخ یهودی-ایرانی، از یهودیان دماوند به‌عنوان یکی از هیجده جامعه یهودی یاد کرده که در جستجوی نسخ کابالیستی بودند و قربانی موج گروش اجباری [به اسلام] شدند. تبلیغات فرقه شابتای [دوئمه] در ایران با نام شموئیل بن هارون دماوندی در پیوند است.^{۱۹}

در ایران «یهودیت مخفی» با پدیده‌ای مشابه و خویشاوند به‌نام «بهائیت مخفی» Crypto-Bahaism پیوند خورده

15. Steven M. Nadler, *Spinoza: A Life*, Cambridge University Press, 2001, P. 89. [1]

16. *Judaica*, vol. 6, p. 150.

17. *Judaica*, vol. 14, p. 1221.

18. *Judaica*, vol. 14, p. 1243.

19. *Judaica*, vol. 5, p. 1252.

برای آشنایی بیشتر تر با فرقه دوئمه بنگرید به: شهبازی، *زرسالاران*، ج ۲، صص ۳۳۱-۳۵۸؛ و نیز بنگرید به یادداشت «دماوند و فرقه‌های رازآمیز» در این آدرس:

<http://www.shahbazi.org/blog/Archive/8712.htm>

است. نادر سعیدی، استاد دانشگاه کارلتون مینه سوتا، از بهائیان است که کوشیده تحقیقات من در این زمینه را تخطئه کند و تمایزی را که میان پیروان معمولی فرقه بهائی و «بهائیان مخفی» قائل هستیم به عمد نادیده گیرد. سعیدی به نظرات من پرداخته ولی مثله شده و ابتر.^{۲۰}

بر دو گروه فوق، یهودیان و بهائیان مخفی، به همراه گروه‌های دیگر همچون وابستگان به سرویس‌های اطلاعاتی فعال در ایران، به‌ویژه سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد)، نام عام نهان‌پیشه‌گان نهاده‌ام. به دلیل اهمیت این پدیده و جایگاه مرموز و بغرنج آن در تحولات امروز ایران، در آینده درباره ایشان بیش‌تر سخن گفته و خواهم کوشید یادداشت‌های مستقلی درباره خاستگاه‌ها و مجاری متنوع «نفوذ» نهان‌پیشه‌گان در ایران عرضه کنم. این «نفوذ» به نظام جمهوری اسلامی ایران منحصر نیست و سازمان‌های مخالف با این نظام در خارج از کشور را نیز در برمی‌گیرد.

شیراز

۲۱ تیر ۱۳۸۸

۲۰. نادر سعیدی، «بهائی ستیزی و اتهام بهائیان به جاسوسی»، بخش سوم، وبگاه «ایران امروز»، ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸.

<http://politic.iran-emrooz.net/index.php?politic/more/17219>